

## مشرّب تقریبی استاد الفقها آخوند خراسانی

وحدت گرای بزرگ گمنام

معمولا در میان علمای مصلح و وحدت گرای قرن چهاردهم شیعه، پس از پرداختن به زحمات و خدمات سید جمال در عرصه وحدت گرایی، اسامی بزرگانی چون سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، آیت الله بروجردی و سپس امام راحل و مقام معظم رهبری در نظر می‌آید، اما در این میان، حلقه مفقوده‌ای وجود دارد که در طبقه پس از سید جمال و در ردیف اساتید مرحوم شرف الدین، کاشف الغطاء و بروجردی قرار دارد. یعنی در فاصله پس از شهادت سید جمال الدین اسد آبادی تا حدود بیست سال پس از آن اغلب علما و مراجع طراز اول شیعه و در رأس آنها آخوند خراسانی از منادیان وحدت و اتحاد بوده‌اند، ولی این حلقه مفقوده همچنان ناشناخته بوده و تلاش‌های وحدت گرایانه بزرگان شیعه که در این حلقه بوده‌اند، از شهرتی برخوردار نیست.

در زمان مشروطه چون انگلیس و دیگر قدرت‌های استعمارگر در پی اختلاف افکنی میان مسلمانان بودند و برجسته سازی اختلاف شیعه و سنی یکی از این راه‌ها بود، علمای دین از جمله آخوند خراسانی در مواقع مختلف بر اتحاد میان شیعه و سنی چه در داخل ایران و چه در نواحی عثمانی و عراق توصیه بسیار داشتند، حتی عملکرد ایشان در دفاع از مسلمان سنی مذهب هند و یا لیبی نیز در همین راستا تحلیل می‌شود که آخوند خراسانی، شیعه و سنی را در هنگام حمله کفار و بیگانگان مهاجم، به صورت یکسان از اعضای پیکره اسلام می‌داند. خلاصه محاسن و اهمیت اتحاد مذاهب و ممالک اسلامی بر هیچ عاقلی پوشیده نیست و فقط انسانهای غافل یا جاهل به این مسئله مهم اهتمام ندارند.

چند مصداق از مشرب تقریبی آخوند خراسانی

حضرت آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه بارها بر ضرورت تدوین منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلام تأکید ورزیده و آن را «مطالبه‌ای تاریخی» خوانده‌اند. اگر چه فرمایش ایشان در راستای تهیه این منشور ناظر به مطالبه فعلی جهان اسلام است، لکن می‌توان گفت از روزگاران گذشته هم، چنین مطالبه‌ای وجود داشته است و این بر اهمیت این بحث می‌افزاید. منشوری این چنینی به طور یقین بایستی تا حد امکان، جامع و مانع باشد و با دیدی حکیمانه، حدود و ثغور معقولی را در این موضوع مهم و اساسی در بر داشته باشد، تا نه تنها رافع عوامل بالفعل تفرقه باشد که عوامل و علل تفرقه میان مسلمانان که بالقوه هستند و ممکن است در آینده به واسطه تغییرات معادلات جهانی به وجود آیند را هم پیش بینی کرده و دفع نماید. یکی از راههای غنی کردن مواد و مبانی این منشور، توجه به انظار علمای اسلام در طول تاریخ و از این مهم تر توجه به کوشش‌های عملی علمای شیعه و سنی در جهت تحقق این منشور وحدت طلبانه است.

1. منشور وحدت گرایید؛ در حوالی جمادی الاولی ۱۳۲۸ ق معاون الملک منشی صولت الدوله، معاهده‌ای را با شیخ خزعل به امضا می‌رساند. در ادامه پس از امضای غلامرضا سردار اشرف، علمای نجف هم به امضا و تأیید آن اقدام می‌نمایند. عهدنامه در شش ماده است. کوشش در راه حفظ وطن، اکمال و ابقای مشروطه، حصول امنیت سه ماده اول آن بود. ماده چهارم شبیه ماده اول، ماده پنجم محافظ شرف و منافع و مقام یکدیگر بودن هیئت متحدین، و ششمین ماده، حمایت و نظارت هیئت اتحادیه بر مجلس است. آخوند خراسانی به علاوه بر امضای آن، مطلبی را می‌نویسد بدین شرح:

«بسم الله الرحمن الرحیم، این معاهده اتحاد نامه سرداران عظام جنوب (ایدهم الله تعالی) از شعب و فروع همان اخوت و اتحادی است که حضرت خاتم النبیین (ص) فیما بین اصحاب کرام خود استوار فرموده، مادامی که این اخوت و اتحاد دینی محفوظ بود، رونق و شکوه عزت و اعتلای اسلام روز به روز افزون بود و اختلال اساس آن اخوت و اتحاد مسلمانان را به این حالت حالیه رسانیده، مصداق «یخافون أن یتخطفکم الناس» نموده است.

وطن عزیز ما مسلمانان ایران را لگد کوب حملات ظالمانه اجانب و حقوق ملیه بلکه بشریمان را پایمال تاخت و تاز ستمگرانه آنان نموده، به کمال نخوت و غرور از شمال و جنوب حمله آورده، اساس امنیت مملکت مان را منهدم و هر روزی یک دست اندازی و لگد کوبی تازه‌ای را دارند و آنچه به حق پرستان و نوع پروران عالم هم تظلم خواهی می‌شود به جایی نمی‌رسد. لهذا بر تمام امرا و سرداران و رؤسا و

خوانین عشایر و ایلات و قاطبه رجال با شرف ایران، جنوبا و شمالا و غربا واجب است اندکی به حال اسف اشتمال سایر رجال بزرگ اسلام که به واسطه نفاق داخلی و رفع ید از این اخوت دینیه در تحت اسارت و فشار اجانب گرفتارند عطف نظری نموده، از روزگار سیاه آنان عبرت بگیرند و تا فرصت از دست نرفته عقد اتحاد و اتفاق به مواد شش گانه متن را مستحکم دارند».

البته مرحوم آخوند قیدی توضیحی به ماده ششم معاهده و قیدی اصلاحی هم بر ماده پنجم می‌افزاید که برای پرهیز از طولانی شدن کلام از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

۲. اتحاد میان دولت‌ها و علمای ایران و عثمانی؛ آخوند خراسانی همچنین در اواخر زندگانی نورانی اش معاهده‌ای را با علمای سنی مذهب بغداد بنابر اتحاد و عدم تفرقه و نیز نگه داری ممالک اسلامی از گزند گرگ‌های دولت‌های بیگانه و ملل مسیحیه امضا می‌نماید. تاریخ این عهد نامه، اول ذیحجه الحرام ۱۳۲۸ قمری است. از علمای شیعه علاوه بر مرحوم آخوندی حضرات شیخ عبد الله مازندرانی، آقا نورالله اصفهانی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ العراقین و شیخ حسین مازندرانی هم این معاهده را امضا نموده‌اند. در این نامه اختلاف‌های فرق پنج گانه را مایه افتراق میان مسلمانان و عامل انحطاط دولتهای اسلامی و تسلط کفار بر ممالک اسلامی دانسته‌اند. علما این اتحاد را واجب و از ایجاد عوامل افتراق و شقاق، منع شرعی نموده‌اند. از منظر اتحاد ملل مسلمان به هر مذهبی از مذاهب پنج گانه و نیز اتحاد دو دولت بزرگ عصر - که ایران و عثمانی باشد - هم تأکید داشته و قرار می‌دهند که تمام قوای خود را در این زمینه به کار اندازند:

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و السلام على محمد خاتم النبيين و آله و صحبه المنتجبين. چون پیش ما واضح و ثابت شد که این اختلافات فرق پنج گانه اسلامیه در غیر آنچه متعلق به اصول دین است و شقاق ما بین طبقات مسلمین، علت تامه انحطاط دول اسلامیه و سبب اصلی استیلای اجانب بر ممالک اسلامی بوده است، فلذا محض محافظه کلمه جامع دینیه و مدافعه از شریعت شریفه محمدیه، اتحاد آرا و اتفاق فتاوی ما بین مجتهدین عظام و رؤسای مذهب جعفریه و علمای کرام اهل سنت مقیمین دار السلام بغداد بر وجوب اعتصام بحبل الله - چنانچه خداوند احدیت تعالی شأنه امر فرموده، فقال عز من قائل: و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا- و بر وجوب بر قاطبه مسلمین در حفظ بیضه اسلام و صیانت جمیع ممالک عثمانیه و ایرانیه از تشبثات شوم اجنبیه و هجمات سلطه خارجییه و به جهت محافظت حوزه اسلامیه، کلمه ما متفق و آرای ما متحد شد بر این که تمام قوا و نفوذ خودمان را در این خصوص بذل کرده و از هر گونه اقدام به مقتضای مقام مضایقه ننماییم، و امیدواریم که دولتین علیتین اسلامیتین (یعنی ایران و عثمانی) با کمال اتحاد در حفظ استقلال و حقوق همدیگر نهایت اهتمام و عنایت داشته

باشند. بر عموم ملت ایرانیه اعلان نمودیم که ثبات و تعاون در حفظ استقلال دولت خودشان واجب و حمایت‌های مملکت و سد ثغور بلاد اسلامی از مداخله اجانب فرض عین است. چنانچه خداوند عالم - جل شأنه - ما بین مؤمنین انداخته است، متذکر شده و اعلان می‌نماییم که واجب است از تمام موجبات شقاق و نفاق تحرز کرده و در حفظ نوامیس امت بذل نهایت جهد نموده و کمال تعاون و تعاضد و حسن مواظبت بر اتفاق کلمه بنمایند تا این که رایت شریفه محمدیه مصون و مقام دولتین علیتین عثمانیه و ایرانیه - اُدام ا[ شوکتها - محفوظ بماند. بمحمد و آله و صحبه خیر البریه»

۳. برگزاری کنگره وحدت در حرم حضرت علی(ع)؛ از موارد دیگری که در دوران زندگی آخوند خراسانی در زمینه اتحادگرایی و وحدت طلبی و تقریب مذاهب اسلامی که آخوند خراسانی فتوا به وجوب آن داده بود انجام شد معاهده‌ای است که میان آخوند خراسانی و علمای شیعه با علمای بغداد منعقد گشت. این معاهده پس از برپایی یک کنگره و مجمع در نجف اشرف و صحن مبارک حرم مطهر حضرت علی علی نگاشته و امضا شد. جرجی زیدان گزارش این مجلس را در آن زمان در مجله اش، الهلال آورده است.

۴. اتحاد در برابر تهاجم بیگانگان؛ در تلگرافی دیگر هم به تاریخ ۲۹ ربیع و الثانی ۱۳۲۷ قمری یعنی در اواخر دوره استبداد صغیر که اغتشاشاتی در ایران حاکم بوده آخوند از علما، امرا، خواندن و تجار و عموم مردم بوشهر و بنادر اطراف از آبادان و بندرعباس و... بذل جهد و تلاش در زمینه « حفظ امنیت و عدم تعرض به احدی و حفظ نفوس و اعراض و اموال مسلمین و غیر مسلمین از تبعه خارجه و داخله» را واجب می‌شمروند. توجه به این نکته بد نیست که این عالم ربانی نه تنها برای حفظ امنیت و ایجاد اتحاد میان ملت ایران به اتحاد شیعه و سنی توصیه می‌کند که حتی به حال کفار تحت سیطره بلاد اسلام هم توجه دارد. چنان که درباره زردشتیان تبریز و دیگر نواحی هم لازم و واجب می‌شمارد که مورد تعرض واقع نشوند.

۵. مکاتبه در زمینه اتحادگرایی؛ میان آخوند خراسانی و علمای سنی مذهب از یک طرف و هم چنین شیخ الاسلام از طرف دیگر مکاتباتی صورت گرفته است. از جمله در حادثه‌ای در همین سالیان میان مسلمانان بخارا مقاتلهای روی می‌دهد. آخوند خراسانی تلگرافی به علمای بخارا نموده و به آنها نسبت به ملتزم بودن به صلح و اتحاد و مودت تأکید اکید می‌نماید. سپس به استانبول و خطاب به شیخ الاسلام و سایر علمای عثمانی مکاتبه‌ای انجام می‌دهد که به قضات و مفتیان سنی بخارا مخابره نمایند در این که ملتزم به صلح و اتحاد و برادری باشند. متن عربی مکاتبه را مرحوم آقا نجفی قوچانی در حیات الاسلام

ذکر نموده است. این عبارت آخوند در این نوشته بسی عبرت زاست که: «و هذا واء مضر بالدين و يفرق شمل المسلمين و دفع امثال هذه الحوادث مطلوبه من روءاء الاسلام» یعنی: قسم به خداوند که اختلاف میان سنی و شیعه برای دین مضر است و باعث فروپاشی یکپارچگی مسلمانان می‌گردد و البته دفع این گونه حوادث تفرقه برانگیز از رؤسای مذهبی اسلام خواسته می‌شود.

مرحوم آخوند حتی در دقایق آخر زندگانی هم تأکید بسیار به حرکت برای دفاع از اسلام داشتند و دوستانش از جمله شیخ عبداً مازندرانی پس از فوت او می‌نگارند: «سابقاً حکم وجوب اتحاد در حفظ بیضه اسلام به همه جا مخابره، خودمان هم خدمت مرحوم حضرت آیت ا‌ خراسانی مصمم حرکت بودیم، بغتاً مسلمانان را یتیم گذاشته، داعیان عزادار و در عزم حرکت در صورت اقتضای شدیدتر از سابق هستیم».

منبع: کتاب طلایه داران تبلیغ بین المللی تاریخ تشیع، صص 99-94